

# تربیت مذهبی کودکان

علی همت یار



۱- آمیختن حقایق و تعالیم مذهب با اوهام و خرافات و مسائلی که بی ریشه و بی پایه اند.

۲- متوسل شدن به جهل و توجیحات بی حساب درباره سؤالاتی که پاسخ آنها را نمی دانسیم و خودداری از بافتن آنها و به حاشیه رفتن آنها.

۳- پرهیز از پرداختن به فروع بی فایده و مباحثی که دانستن و ندانستن آنها نفی برای فرد پدید نمی آورد.

۴- پرهیز از دروغگویی برای تبلیغ مذهب و خودداری از ایجاد امید کاذب در آنان به همه صورتها، حتی در جنبه رحمت و بخشش

در شماره گذشته ضمن بیان مفهوم پرورش مذهبی و نیاز کودک به مذهب، در باره موضوعاتی چون: تلقی کودک از خدا، مرگ و بهشت و دوزخ، آغاز تربیت دینی و اصول پرورش مذهبی سخن به میان آمد. اینک ادامه بحث را پی می گیریم.

## پرهیزها در تربیت مذهبی

در ادامه بحث به جنبه هایی اشاره می کنیم که مری باید از آنها پرهیزد. مهمترین این موارد عبارت است از:

و در تربیت مذهبی نیز به همین ترتیب اقدام خواهیم کرد:

۱- روش ارائه الگو: در این روش چشم به مسائل احاطه دارد و اهمیت گوش در درجه دوم است. بنا بر روایات مذهبی برای اولین بار جبرئیل امین عملاً در برابر پیامبر (ص) وضو گرفت و پیامبر آن را دید، فراگرفت و عمل کرد. خود پیامبر درباره نماز فرمود: صَلُّوا کَمَا رَأَيْتُمُونِي أَسْلَى - همانگونه که می بینید من نماز می گزارم، شما نیز نماز بگزارید.

مسئله مهم در این روش این است که الگو باید کامل و نمونه اخلاق باشد، زیرا هرگونه اشتباه و سهل انگاری موجب بدآموزی و انعکاس ناروا در آدمی می شود.

۲- روش آموختن: در این روش توجه به حس شنوایی است و به صورتی مستقیم مسائل مورد نظر را به کودک منتقل می کنیم. این روش در حقیقت مکمل روش قبلی است و برای کودکان بزرگتر حتی مقدمه پرورش است. یعنی نخست چیزی را ببیند و بشنود و سپس عمل کند. در این روش هدف، اصلاح عمل و رفتار از طریق تذکر و یادآوری است، یعنی عملی که فرد انجام می دهد در صورت خطابودن به وسیله مربی اصلاح و رفع عیب گردد.

۳- روش تلقین و القاء: با این روش می توان در فرد وابستگی به مذهب و خدا ایجاد کرد. از طریق ذکر آیات خدا، مهربانیها، حسابرسیها و نعمتهای او می توان در کودک ترس و خوف ایجاد کرد و یا روح امید را در دل او زنده ساخت. می توان مهر خدا را از این راه در دل او

خداوند.

۵- خودداری از قالب زدن افکار و اندیشه های خود به اسم مذهب که خود خیانتی به دین و دستورهای آن است و قطعاً خدای از آن ناراضی است.

۶- پرهیز از نوמיד ساختن از رحمت و عنایت خدا که آن خود خطرانی عظیم را به دنبال دارد.

۷- خودداری از افسرده کردن و خسته کردن کودک و نوجوان در انجام اعمال مذهبی که خستگی ها خود عامل تنفر و گریز از دین و مذهب می شوند.

۸- خودداری از مسخره کردن، تحقیر و توهین در صورت ارتکاب خطا در عمل به مذهب.

۹- پرهیز از ایجاد شخصیت پرستی در مذهب که همه توجهات باید متوجه جهت دادن افراد به سوی خدا و هدف باشد، نه به سوی خود یا شخص معین.

۱۰- و بالاخره پرهیز از جدال در مذهب که امام علی (ع) فرمود: آن خود موجد شک است: اِتَاكَم وَ الْجِدَالُ فَانَّهُ يورث الشكَّ في الدين (اعلام الدین، صفحه ۱۸۶)

### روشهای پرورش مذهبی

همانگونه که می دانیم افراد به دنیا می آیند در حالی که ذهنی خالی دارند و برای پرنمودن آن باید به ترتیب از راه چشم و گوش و عقل اقدام کنیم و این ترتیبی است که قرآن کریم بدان اشاره دارد: وَ اللّٰهُ اَخْرَجَكُم مِّنْ بَطُونِ امهَاتِكُمْ لِاتَعْلَمُوْنَ شَيْئاً وَ جَعَلَ لَكُم السَّمْعَ وَ الْاَبْصَارَ وَ الْاَفْئِدَةَ.

آنچه در پرورش مذهبی با استفاده از روش داستان سرایی باید مورد نظر باشد این است که:

- ۱- داستان باید صفات خوب و نکات برجسته را نشان دهد.
- ۲- با سن افرادی که از آن پند می آموزند متناسب باشد.
- ۳- هر داستان به تناسبی و بنا به ضرورتی ذکر شود.
- ۴- داستان دارای نتیجه‌ای ارزنده باشد و آن نتایج ذکر شود.
- ۵- داستان بدآموزی نداشته، زمینه انحرافی در افراد را موجب نشود.

### عواملان پرورش مذهبی

میریان کودک در این بحث به سه دسته تقسیم می شوند:

- ۱- والدین که عامل اصلی تربیت او هستند و مهمترین نقش را در پرورش وی ایفا می کنند. آنها از یک سو عامل وراثتند و از سوی دیگر عامل محیطی. در جنبه وراثت خصایص بسیاری را از خود و اجداد خود به فرزندان منتقل می کنند و در جنبه محیط نیز دامان والدین نخستین مدرسه برای کودک است که در آن، همتهای بلند، ارزشهای عالی، خلق و خوی نیکو و آزادگی و یا به عکس پستی ها، توسری خوریهها، کج خلقی ها و انزوا طلبیها را می آموزد؛ در این امر سهم مادر به مراتب بیشتر از پدر است، خصوصاً اینکه تکیه گاه فرزند و تنها فرد مورد ارتباط او در سالهای اولیه زندگی، مادر است (و در اهمیت نقش والدین همین بس که از حدود ۹۵ هزار ساعت زندگی کودک تا

گسجاند و مفهوم دوست داشتن و دوست نداشتن خدا را به او تفهیم کرد، بدان گونه که آنچه را خدا دوست دارد انجام دهد و از آنچه او دوست ندارد پرهیز کند.

در این روش گاهی عمل فرد به صورت مستقیم یا غیرمستقیم ستوده می گردد و او به مذهب وابسته می شود، به طوری که شوق وابستگی به خدا در دلش زنده شده، احساس لذت و شادمانی می کند.

۴- روش داستان سرایی: وسیله خوبی برای تحریک اندیشه برای تفکر، عبرت آموزی، تسلی خاطر، هدایت از گمراهی، حساسیت در برابر امور، تفکر درباره جهان، پرورش تفکر و از این قبیل است. از راه داستانها می توان تا حدود بسیاری به صورتی غیرمستقیم ضوابط مذهب را آموخت و بر شوون زندگی حاکم کرد.

قرآن نیز در طریق تربیت از داستانهای بسیاری چون داستان پیروی موسی (ع) از مرد صالح برای نشان دادن تواضع و بردباری، داستان اصحاب غار برای نشان دادن زنده دلی (۱۳ و ۱۴ کهف)، داستان اصحاب کهف برای نشان دادن کیفر و عذاب بدکاران و پاداش نیکوکاران (۸۷ کهف)، داستان قارون که ستم کرد و مبتلای عذاب الهی شد (۸۱ قصص)، داستان یوسف برای نشان دادن نتیجه عفت و پاکدامنی (سوره یوسف)، داستان اصحاب اخدود که ناظر شکنجه ها بودند (۴ بروج)، داستان اصحاب لوط، داستان آدم و حوا، داستان مریم و پاکدامنی او و... را ذکر می کند و می فرماید:

ان فی قصصهم عبرة لاولی الالباب



پایان یازده سالگی، فقط ۵ هزار ساعت در مدرسه می‌گذرد).

۲ - طبقات اجتماعی که به نسبت تماس و برخورد کودک با آنها به دسته‌هایی قابل تقسیم می‌باشند مانند: برادر، خواهر، مادر بزرگ، پدر بزرگ، عمو، عمه، خاله و ...، معلم، مدیر، همکلاسی‌ها و ... افراد جامعه از بقال، قصاب، نانوا و ... پلیس، روحانی، خادم مسجد و ...

۳ - عوامل خارجی مانند وسایل ارتباط جمعی و تحولات طبیعی مانند پدید آمدن فصول، زلزله و عوامل جوی.

### مراحل پرورش مذهبی

ظاهر امر این است که پرورش مذهبی از آغاز تولد انجام می‌شود، ولی قبل از تولد هم مراقبت‌هایی باید انجام شود که آن هم به حساب پرورش مذهبی می‌آید. در حقیقت ویژگی‌های همسر، لحظات آمیزش و اندیشه و افکار والدین در آن هنگام، روحیات مادر در دوران حمل، غذاها، برخوردها و تصادم‌ها در تربیت مذهبی مؤثر است و در یک کلام در پرورش مذهبی کودک به دو نکته اساسی باید دقت نظر داشت: نطفه حرام و لقمه حرام.

پس از تولد طی سه دوره هفت ساله فرزند در معرض تربیت قرار می‌گیرد که کوتاهی والدین درباره فرزندانش گناهی بزرگ در برابر خدا و جرمی نابخشودنی در برابر جامعه و مذهب است.

۷ سال اول دوره تکوین است و پرورش مذهبی در حقیقت از همان روز اول تولد شروع می‌شود و آن از طریق انجام مراسم مذهبی است، مانند گفتن اذان و اقامه در دو گوش او،

کام برداشتن با تربیت امام حسین (ع)، غسل مولود، ختنه کردن، تراشیدن موی سر و هموزن آن از طلا و یا نقره صدقه دادن، نام نیکو نهادن و عقیقه؛ که بعدها به همراه رشد و در سنین مختلف تکالیف گوناگونی به کودک داده می‌شود. از جمله اینکه مثلاً از ۳ سالگی آموزش جمله تهلیل آغاز می‌گردد (ذکر لاله الا الله)، از ۳/۵ سالگی آموزش شهادت به رسالت محمد (ص)، از ۴ تا ۵ سالگی تمرین صلوات، از ۵ سالگی آموزش دست چپ و راست، از ۶ سالگی آموزش قبله، سجده و رکوع و از حدود ۷ سالگی تمرین نماز و بیدار شدن برای سحری انجام می‌گیرد.

در این دوره رعایت نکاتی نیز لازم است. به عنوان مثال جنس مخالف نباید دختر را از ۶ سالگی و پسر را از ۷ سالگی به بعد ببوسد.

مردی برای امام ششم (ع) از دختر ۶ ساله

لطفاً ورق بزنید

همه وقت با پدر و مادر در تماس است و با آنها رابطه‌ای عاطفی دارد، اما به تدریج باید این محبت خانوادگی را به محبتی خدایی تبدیل کرد تا صفایی بیشتر، نفوذی عمیق‌تر و دوامی جاودانه داشته باشد.

۲- نماز، که این فضا نیز ابعادی دارد و در جهات مختلف می‌تواند نمایش تربیتی عرضه کند؛ در اذکارش، باطن آدمی را با خدا رابطه دهد، در دعاهايش روح نیازمند آدمی را استغنا بخشد، و به فضل و غنای مطلق متکی دارد و در تکرارش بیداری مدارم به انسان دهد.

۳- خانه خدا یعنی مسجد؛ که کودک را با اجتماعی آشنا می‌سازد که آنان را "هدنی مقدس" گرد هم جمع کرده است، نه پول و نه امور دنیایی، و همه برای سالم بودن، بهتر شدن، بندگی حق و نیکی کردن در آنجا گرد آمده‌اند و نظام نماز جماعت و احترام به بزرگتر علمی و عملی و انضباطی که در عمل دارند همه آموزنده و زمینه‌ساز پرورش وجودی فرزند خواهند بود و بنا به قولی: "مسجد روح دینی را از فردی که متدین است به فردی که می‌خواهد متدین شود منتقل می‌نماید".

۴- مجالس دینی (به مناسبت اعیاد یا سوگواری)؛ که حضور کودکان در آنها باعث می‌شود روح دینی و فطرت مذهبی‌شان پرورش یابد، البته بدین شرط که بزرگتران مواظبت کنند که در آن مجالس، مطالب خرافی و نادرست مطرح نگردد. مطلبی که در زیر خواهد آمد گوشه‌ای ناچیز از او‌هامی است که مغرضانه و یا ناآگاهانه زمینه‌ساز انحرافات در اذهان کودکان و نوجوانان خواهد شد. "ابلیس گرد بهشت می‌گشت تا ماری را دید که چهار پای داشت مانند شتر، ابلیس به او گفت: من

کنیز خود حکایت کرد و امام فرمود: او را نبوس، و در آغوش بگیر و بر دامن خود نشان. این امر نیز از نظر دور نماند که ۴ سال اول تولد بسیار مهم و در پایه‌گذاری شخصیت دارای اهمیت فوق‌العاده است. بدان گونه که می‌توان گفت  $\frac{3}{4}$  شخصیت کودک در این سنین پایه‌گذاری می‌شود.

۷ سال دوم دوره‌ای است که باید کودک تحت کنترل اندیشیده والدین و مربی از نظر اعمال و رفتار باشد که می‌توان آن را به دو دوره ۸ تا ۱۰ و ۱۱ تا ۱۴ سالگی تقسیم کرد. در این دوره نیز به تناسب سن و رشد تکالیفی اعمال می‌گردد، مثل شستن دو کف دست، تمرین وضو تا پایان ۹ سالگی و از ۱۰ سالگی واداشتن به خواندن نماز.

ایمان واقعی به مذهب از حدود ۱۲ سالگی در کودک پیدا می‌شود و در این سن تا حدود قابل توجهی می‌توان مفاهیم اصیل مذهب را به او منتقل کرد. مبانی اخلاقی و تربیتی به مفهوم آداب معاشرت، رسوم و سنن نیز در همین دوره باید به کودک آموخته شود.

پایان این دوره همزمان با دوره نوجوانی است (که جزو بحث ما نیست) و کودک با تجاربی که در زمینه‌های مختلف به دست آورده، بالنسبه فردی مستقل و صاحب نظر می‌شود.

### فضای مساعد پرورش دینی

آنچه می‌تواند فضای مناسب و محیط مساعد برای پرورش دینی فرزندان تلقی گردد، عبارت است از:

۱- محیط خانوادگی که در آن فرزند تقریباً



می‌خواهم آدم را نصیحتی بکنم، ولی مرا پیش او راه نمی‌دهند، تو مرا پیش او ببر... و چون گندم به حلق آدم فروگذشت و به شکم رسید حله‌های بهشت از تن ایشان فرو ریخت و هرچهار را از بهشت بیرون انداختند. آدم را به هندوستان، حوا را به جدّه کنار دریا بر هفت سنگ، ابلیس را به سمنان و حدود ری و مار را به اصفهان."

۵ - دیدار با افراد سلیم النفس و صاف دل؛ (گرچه عامی باشند و به هر شغل و کار مشغول) و نیز دیدار افراد مؤمن و علما و افراد عطوف و شجاع و کریم و ... گرچه اکتفا به دیدار و ملاحظه حال و حرکات ایشان باشد، بس نافذ و اثربخش است.

۶ - نگاه کردن به آسمان صاف در بلندیها، قرار گرفتن در دشتی وسیع، نگرستن به سبزه‌ها و حیوانات، توجه به نسیم صبحگاهی و به هرچه وسعت روح می‌دهد و پاکی نظر و دل

می‌بخشد، تعالی عاطفه را موجب می‌شود و اعتدال درون، سادگی و کم توقعی، پرحوصلگی و پرفضایی را ایجاد می‌کند.

اصولاً باید دانست که آدمی وقتی خود را در مکانی مقدس حس کرد، این امر موجب می‌شود که خود را پاک و بی‌خلاف بدارد و همین اعتنا اثری خاص در پیشگیری از رفتار نامناسب می‌گذارد (رجوع شود به کتاب "دیباجه‌ای بر رهبری"، تألیف دکتر صاحب‌الزمانی، صفحه ۳۳۳، آمار اداره پلیس و دادگستری در روزهای ۱۹ تا ۲۳ ماه مبارک رمضان).

حال اگر این مکان و زمان مقدس را به مغازه، مدرسه، خیابان و محل کار تعمیم دهیم و همه جا را "زمین خدا" بشناسیم و توجهات او را در هر زمان و مکان معطوف زندگی خود بدانیم، چه خواهد شد؟

لطفاً ورق بزنید

## منابع:

- ۱- ایلینگورث، رونالدس، مترجم: شکوه نوابی نژاد، کودک و مدرسه، چاپ اول، پاییز ۱۳۶۸، انتشارات رشد
- ۲- بهشتی، احمد، اسلام و حقوق کودک، چاپ دوم، ۱۳۵۲، مرکز مطبوعاتی دارالتبلیغ اسلامی قم
- ۳- رشیدپور، مجید، چگونه باید تربیت کرد، چاپ سوم، ۱۳۶۶، انتشارات کعبه
- ۴- شریعتی، علی، فلسفه تعلیم و تربیت، انتشارات آثار بعثت
- ۵- شریعتی، علی، پدر و مادر ما متهمیم، چاپ دوم، تابستان ۱۳۵۶
- ۶- شریعتمداری، علی، تعلیم و تربیت اسلامی
- ۷- شریف‌المرشی، باقر، نظام تربیتی اسلام، چاپ اول، زمستان ۱۳۶۲، انتشارات فجر
- ۸- قائمی، علی، پرورش مذهبی کودکان، انتشارات امیری
- ۹- قائمی، علی، نگرش و رفتار دینی در دانش آموز، چاپ اول، بهار ۱۳۷۴، انتشارات امیری
- ۱۰- قزوینی، سید محمد کاظم، مترجم: ذکرائله احمدی، اسلام و تعلیمات تربیتی، چاپ دوم، ۱۳۷۰، کانون نشر اندیشه‌های اسلامی
- ۱۱- مظلومی، رجبعلی، گامی در مسیر تربیت اسلامی، چاپ دوم، آذر ۱۳۶۲، نشر آفاق
- ۱۲- قرآن کریم
- ۱۳- همت‌یار، علی، تنبیه، چرا و چگونه؟ جزوه آموزشی، فروردین ۱۳۷۳
- ۱۴- خلاصه مقالات ششمین مجمع علمی

جسایگاه تربیت (تربیت دینی کودکان و نوجوانان)، ناشر: دبیرخانه مجمع علمی جایگاه تربیت، معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۴

## نکته‌ها و توصیه‌ها...

- هرکس ندانسته به کاری اقدام نماید، بیش از آنکه اصلاح کند، تباه می‌کند. (اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۵۵)
- مؤثرترین و پایدارترین تأثیرات تربیتی در غیر مستقیم‌ترین روش‌های تربیتی است. (امام علی علیه السلام)
- خیر انسان در تفاوت‌های فردی است، پس به این تفاوتها احترام بگذاریم. (امام علی علیه السلام)
- برای رسیدن به اهداف تربیتی، اگر می‌خواهید به سرعت به مقصودتان نایل آید، آهسته و تدریجی حرکت کنید.
- آموزش راه‌های رسیدن به حقیقت مهم‌تر از خود حقیقت است. این راه‌ها را به فرزندان خود نشان دهید.
- در محبت کردن معتدل باشید، زیرا ساختمان تربیت بر شانه‌های محبت معتدل بنا می‌گردد.
- کودک در خانواده (به خاطر مراقبت‌های افراطی و باید و نبایدها) غالباً خودش نیست، همه چیز را طوطی‌وار اقتباس می‌کند. او نقش بازی می‌کند، به جای آنکه نقش بگیرد.
- باید دانست که غالباً کودک علت آنچه را که شما عیب می‌دانید، نمی‌داند؛ از این رو قبل از سرزنش، به او بفهمانید، تا فاصله‌ای بین فهم شما و او ایجاد نشود.
- مرکز مشاوره و راهنمایی خانواده شاهین شهر